

روابط امنیت انرژی اتحادیه اروپایی و روسیه از منظر نظریه وابستگی متقابل

فاطمه هموئی^۱، کیهان برزگر^۲، حمید احمدی^۳، حسین دهشیار^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۸

چکیده:

به دلیل عدم وجود یک سیاست انرژی مشترک در اتحادیه اروپا به واسطه وابستگی متفاوت اعضا به منابع روسیه، شرایط جغرافیایی متفاوت و انگیزه های متنوع، این اتحادیه خود را به پیروی از یک خط مشی امنیتی مشخص برای انرژی متعهد نموده است. راهبردی که در بلندمدت بر وابستگی متقابل به بازار انرژی، وحدت اروپا و بهبود شیوه اداره امور در کشورهای تولیدکننده انرژی مبتنی باشد. نوشتار حاضر به تحلیل و بررسی روابط پیچیده انرژی بین روسیه و اتحادیه اروپا که همزمان درگیر تعارض و همکاری هستند، در منشور نظری "وابستگی متقابل نامتقارن" می پردازد. هدف از انجام این پژوهش، کشف و ارائه دلایل اتخاذ راهبرد دسته جمعی اتحادیه اروپایی برای تامین امنیت انرژی پایدار و امن می باشد. برای نیل به این هدف با بهره گیری از روش تحلیل نظری به شناسایی محورهای حساسیت و آسیب پذیری اتحادیه اروپا و روسیه در زمینه انرژی و چشم انداز آینده وابستگی متقابل دو طرف در دهه های فرارو پرداخته و نهایتاً به این نتیجه می رسد که به دلیل روند افزایشی وابستگی متقابل نامتقارن در مسئله امنیت انرژی بین دو طرف، هیچ یک از طرفین قادر نخواهند بود ملاحظاتی امنیتی خود را بدون توجه به امنیت طرف دیگر پیش برند.

واژگان اصلی: امنیت انرژی، اتحادیه اروپایی، روسیه، وابستگی متقابل نامتقارن، حساسیت و آسیب پذیری.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
۲. دانشیار روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
kbarzegar@hotmail.com (نویسنده مسئول)
۳. استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۴. استاد گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقدمه

تامین پایدار انرژی برای اتحادیه اروپایی که بخش اعظم نیازهای خود را وارد می‌کند، یکی از چالش‌های مهم امنیتی است. با توجه به وقوع سه بحران در روابط بین روسیه و اوکراین (۲۰۰۶، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۴)، اتحادیه اروپایی تامین امنیت انرژی را در سیاست‌گذاری‌های خود مورد توجه قرار داده است. هر چند اتحادیه اروپایی با در پیش گرفتن رویکرد ایجاد امنیت دسته‌جمعی انرژی تلاش نموده آسیب‌پذیری کشورهای عضو اتحادیه در مواقع بحرانی را کاهش دهد اما در این مسیر با چالش‌های متعددی روبروست. شواهد حاکی از این واقعیت است که انرژی تولیدی در داخل اتحادیه اروپا در سال ۲۰۳۰، در مقایسه با سال ۲۰۰۰، حدود ۲۵ درصد افول خواهد کرد و بسیاری از پیش‌بینی‌ها حاکی است که از سال ۲۰۳۰ به بعد، اروپا مجبور به واردات بیش از ۷۰ درصد انرژی مورد نیاز خود خواهد بود.

افول تولید داخلی انرژی اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۳۰، باعث خواهد شد این اتحادیه، در مجموع دو سوم انرژی مورد نیاز خود را از خارج وارد کند. در این میان بیشترین میزان وابستگی به انرژی وارداتی مربوط به گاز خواهد بود که عمدتاً توسط روسیه تامین می‌گردد. اختلاف‌ها بر سر گاز بین روسیه و اوکراین و متعاقباً وقفه‌های تولید، ضرورت متنوع‌سازی منابع انرژی را برای اتحادیه اروپا در سطوح گفتمانی علاوه بر سطوح سیاسی نشان داد. علاوه بر این، پس از بحران فوق و تحریم‌های اعمال شده بر روسیه، تغییراتی در گفتمان سیاسی اروپا اتفاق افتاد. اتحادیه اروپا وابستگی بیشتر به ذخایر گاز روسیه از طریق مشور ژئوپلیتیک را به عنوان تهدیدی برای امنیت انرژی منطقه‌اش در نظر گرفته و اقداماتی جهت کاهش حساسیت و آسیب‌پذیری خود انجام داد.

صادرات گاز روسیه به عنوان یک ابزار سیاست خارجی و اهرم قدرت این کشور، بیانگر این واقعیت است که ملاحظات ژئوپلیتیک به انگیزه‌های سیاست انرژی روسیه شکل می‌دهد که در تعارض با تلاش‌های اتحادیه اروپا برای سیاست‌زدایی از روابط گاز روسیه قرار می‌گیرد. با این حال روسیه و اتحادیه اروپا هر دو از وابستگی نزدیک به یکدیگر آگاه هستند و مسئله انرژی در حال حاضر هسته اصلی روابط روسیه و اتحادیه اروپا محسوب می‌گردد. نگارنده بر آن است که پس از تبیین مفاهیم و گزاره‌های بنیادین نظری، در قالب تحلیلی کیفی، نظریه وابستگی متقابل را به دقت پیرامون جزئیات رفتار سیاسی و روابط اتحادیه اروپا و روسیه در حوزه انرژی عملیاتی نماید.

سوال اصلی نوشتار حاضر آن است که "اتحادیه اروپایی با چه نوع چالش‌هایی در راستای تامین امنیت انرژی خود مواجه است؟" فرضیه به این صورت مطرح می‌شود که "تداوم بحران در روابط اتحادیه اروپایی و روسیه، کافی نبودن منابع گاز حوزه دریای خزر، رشد فزاینده مصرف انرژی و کاهش

۲۵ درصدی انرژی تولیدی در داخل اتحادیه اروپایی تا سال ۲۰۳۰، عدم یکپارچگی اتحادیه اروپایی و بی اعتمادی به روسیه چالشهای اصلی اتحادیه در تامین امنیت انرژی به شمار میروند."

۱- پیشینه پژوهش

پیرامون موضوع مقاله پیش رو، دیدگاه‌های مختلفی از منظر اقتصادی، امنیتی و ژئوپولیتیکی مطرح شده است. فلوریان باومن و جرج سیمری در مطالعات خود در رابطه با سیاست انرژی مشترک اتحادیه اروپا به این نتیجه رسیدند که اگرچه این اتحادیه از ابزارهای سیاسی لازم برای حفظ فضای رقابتی و تامین پایدار انرژی سود می‌برد، اما امنیت انرژی و به‌خصوص بُعد خارجی سیاست انرژی اتحادیه، توسعه نیافته و ابزارها و مکانیسم‌های خاص خود را پیدا نکرده است. جان فردیک براون به نحوه ادراک و فهم قوانین از سوی نهادهای اتحادیه اروپا بعد از اجرای معاهده لیسبون پرداخته و معتقد است سیاست انرژی اتحادیه اروپا بعد از اجرای معاهده لیسبون همچنان ماهیت تجاری خود را حفظ خواهد کرد. ماری کلر آون چالش‌های اروپا در زمینه امنیت انرژی در ۲۰ سال گذشته را مورد توجه قرار داده و با اشاره به ماهیت جهان در حال تغییر، ابزارها و سیاست‌های همکاری انرژی بین اتحادیه اروپا و منطقه مدیترانه را تحلیل نموده است.

ریچارد یانگز در مطالعه خود با رویکرد ژئوپولیتیکی کوشیده است تجزیه و تحلیلی از استراتژی-های اتحادیه اروپا در قبال امنیت انرژی به عنوان بازیگری بین‌المللی ارائه دهد و علاوه بر آن، نکاتی در خصوص بازارها و ژئوپولیتیک انرژی و چگونگی کارکرد اقتصاد سیاسی بین‌الملل در قرن بیست و یکم طرح نماید. پاول بلکین با اشاره به افزایش قیمت و تقاضا برای انرژی، امنیت انرژی اتحادیه اروپا را که بخش اعظم نیازهای خود را وارد می‌نماید، به عنوان یک چالش امنیتی مهم برشمرده و ضمن تحلیل تلاش‌های این اتحادیه در راستای به کارگیری یک استراتژی مشترک در این حوزه، معتقد است همکاری‌های فرآتلانتیکی بین اتحادیه اروپا و آمریکا، ضرورت دارد. بنجامین سوواکول نیز در کتاب مرجع امنیت انرژی به اقداماتی که به تازگی برای اندازه‌گیری پیشرفت امنیت انرژی با تاکید ویژه بر کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، کشورهای آسیا و کشورهای صنعتی کل جهان انجام یافته، پرداخته است.

۲- چهارچوب نظری - مفهومی: موضوع امنیت انرژی از منظر نظریه وابستگی متقابل

نظریه نئولیبرالی وابستگی متقابل، توسط نهادگرایان لیبرال رابرت کوهن و جوزف نای ایجاد شده و ریشه در طرز تفکر اترناسیونالیستی دارد. (Keohane & Nye 2011, pp. 23-37). نظریه فوق بر این باور است که تعارض همچنان یک ویژگی اساسی سیاست بین‌الملل است، هرچند همکاری نیز در نظام بین‌الملل قابل دستیابی است. از آنجا که بازیگران بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند، این فرایند شامل سود و زیان است (Binhack & Tichy 2012: 55). کوهن و نای نظریه خود را با طرح مدل "وابستگی متقابل پیچیده" ^۱ تکامل بخشیدند. وابستگی متقابل پیچیده، ظهور بازیگران فراملی را نسبت به دولت برجسته می‌سازد. (Rana 2015, p 291). مفاهیم و گزاره‌های بنیادین نظریه وابستگی متقابل از جمله قدرت، هزینه، حساسیت، آسیب‌پذیری، تقارن و عدم تقارن به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرند:

الف) قدرت: قدرت در نظام وابستگی متقابل همچنان مرکز ثقل و مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر چانه‌زنی‌های سیاسی است. قدرت به زعم نظریه‌پردازان وابستگی متقابل عبارت است از احتمال موفقیت یک کنش‌گر اجتماعی در پیش برد مقاصد خود به رغم مقاومت سایر کنش‌گران، صرف نظر از این که کنش‌گر قدرتمند از چه ابزارهایی به این منظور بهره می‌برد. کوهن و نای قدرت را توانایی کنترل منابع در مسیر دستیابی به اهداف خود دانسته‌اند.

ب) حساسیت: ^۲ حساسیت به میزان آسیب‌پذیری یک کشور از سیاست‌های کشور دیگر و این نکته دلالت دارد که کشورها تا چه اندازه می‌توانند با اتخاذ سیاست‌های مناسب، خود را از آسیب‌های رخدادهای جهانی دور نگاه دارند. حساسیت از طریق تعاملات در چارچوب سیاست‌ها ایجاد می‌شود و شامل درجه واکنش یک بازیگر در چارچوب یک سیاست است. اینکه چگونه تغییرات در یک کشور، به سرعت تغییرات پرهزینه‌ای را در یک کشور دیگر ایجاد می‌کند و اثرات ناشی از آن تا چه اندازه عمیق است (Keohane & Nye 1989: 12) به عبارت دیگر، حساسیت به هزینه‌هایی اشاره دارد که هر طرف متحمل می‌شود. پرودرو عنوان می‌کند که حساسیت بالا باعث می‌شود که دولت‌ها عواقب احتمالی وابستگی متقابل خود را با اشخاص ثالث درک کنند و در نتیجه خود یک محرک تغییر است. این امر، باعث می‌شود کشورها اقداماتی برای کاهش وابستگی خود و جستجوی طرح‌های جایگزین همکاری انجام دهند که شدت وابستگی آنها به اشخاص ثالث را کاهش می‌دهد. (Proedrou 2007: 332).

1. Complex Interdependence

۲ Sensitivity

ج) آسیب‌پذیری^۱ از سوی دیگر، به نقاط ضعف یک طرف اشاره می‌کند در شرایطی که دیگری تلاش می‌کند تا روابط متقابل خود را به پایان برساند. طرفین در وابستگی متقابل با آسیب‌پذیری نسبتاً بالا، تمایل به همکاری و تقویت روابط متقابل خود را دارند (وابستگی مثبت)، در حالی که بازیگران با حساسیت بالا وابستگی خود را کاهش می‌دهند و به دنبال طرح‌های جایگزین برای همکاری می‌گردند (وابستگی منفی) (Binhack & Tichy 2012: 54). آسیب‌پذیری را می‌توان این‌گونه توصیف کرد: "دسترسی نسبی و پرهزینه به گزینه‌هایی که بازیگران مختلف با آن روبرو هستند". حساسیت برای توصیف فشارهایی که بازیگران مختلف در نتیجه اقدامات دیگران متحمل می‌شوند، مورد استفاده قرار می‌گیرد، در حالی که آسیب‌پذیری به میزان دسترسی به گزینه‌ها جهت تغییر فرآیندها و چارچوبهای ساختاری خود برای تطابق با نیازهای طرف دیگر می‌پردازد.^۲

د) **تقارن و عدم تقارن**^۳: در وابستگی متقابل اشاره به درجه وابستگی دو طرف به هم دیگر دارد. وابستگی متقابل نامتقارن حاکی از شرایطی است که در آن یک طرف کاملاً وابسته به دیگری است، در حالی که در رابطه متقارن هر دو طرف از شرایط وابستگی یکسانی برخوردارند. **عدم تقارن** به هزینه‌های بالاتر برای یک طرف اشاره می‌کند، به این ترتیب که طرف وابسته تر به طور بالقوه می‌تواند سوژه اعمال قدرت را از طرف دیگری باشد (Lilliestam & Ellenbeck 2011: 3382). وابستگی متقابل **نامتقارن**^۴ به راحتی می‌تواند به عنوان منبع اصلی قدرت عمل کند، زیرا طرف قدرتمندتر از وابستگی طرف ضعیف‌تر، به نفع خود بهره می‌برد (Proedrou 2007: 332). کوهن و نای بر این باورند که **عدم تقارن** در وابستگی علت اصلی این موضوع است که چرا یک بازیگر می‌تواند بر دیگری تأثیر بگذارد و بازیگران کمتر وابسته اغلب می‌توانند از رابطه متقابل وابسته به عنوان منبع قدرت در چانه‌زنی حول یک مسئله استفاده کنند (Casier 2011: 497).

وابستگی مثبت از نقطه نظر کوهن به "تبادل ارزش‌های تقریباً معادل است که در آن اعمال هر یک از طرفین به اعمال قبلی دیگران وابسته است به طوری که عمل خوب واکنش خوب دریافت میکند.

^۱ Vulnerability

^۲ The Meridian Journal, 2014. "Disparities in Sensitivity and Vulnerability in the Liberal System" available at: <https://lcmjournal.com/2014/11/16/disparities-in-sensitivity-and-vulnerability-in-the-liberal-system/> (accessed: 03.05.2016).

^۳ Symmetry and asymmetry

^۴ Asymmetric interdependence

بنابراین وابستگی مثبت به این ترتیب شرایطی را ایجاد می‌کند که هر دو طرف نمایل به وابستگی به یکدیگر دارند. وابستگی منفی برعکس، به این واقعیت منجر می‌شود که طرفین از وابستگی فرار میکنند (Bellyi 2012). در شرایطی اتفاق می‌افتد که یک رابطه را نمی‌توان برای دو طرف سودمند دانست و از طرفی مشارکت بر مبنای منافع شخصی است (Keohane 1986: 8). انتقال وضعیت مثبت و منفی از یکی به دیگری قطعاً امکان‌پذیر است. وابستگی مثبت یا منفی در وسیع‌ترین گستره آن در سیاست‌های دو طرف به طور شفاف و واضح دیده می‌شود.

امنیت انرژی در نگاه اروپایی

امنیت انرژی یک مفهوم کاملاً پیچیده، چند وجهی و به خودی خود دارای یک بعد استراتژیک است. در واقع تعاریف متعددی از امنیت انرژی وجود دارد که بر اساس ادراک دولتها از امنیت انرژی متفاوت است. اصول اساسی تعریف عملیاتی امنیت انرژی عبارتند از "تامین پایدار و بدون وقفه در قیمت مقرون به صرفه" (Noreng 2009, 221) یا به سادگی می‌توان داشتن امنیت انرژی را با در دسترس بودن یک چرخه منظم تولید انرژی با قیمت مقرون به صرفه در نظر گرفت (Gracceva, Costantini, 2010: 210). Markandya & Vicini (2007: 210). کاوشنیکوف معتقد است که امنیت انرژی - در تعریف محدود آن - به عنوان "امنیت تامین/عرضه انرژی" بررسی می‌شود. او تاکید می‌کند که از لحاظ تاریخی، مفهوم امنیت انرژی در کشورهای مصرف‌کننده متولد شد که به طور طبیعی منافع و نگرانی‌های خود را دنبال می‌کردند در نتیجه تمایل به تمرکز بر امنیت تامین انرژی داشتند (Kaveshnikov 2010, 586). دانیل یرگین^۱ ادراک امنیت انرژی در تعاریف کشورهای مختلف (مصرف‌کننده و تولیدکننده) را بدین ترتیب تشریح می‌کند: "برای روسیه، هدف این است که کنترل دولت بر منابع" استراتژیک" را متوقف کنیم و تسلط بر خطوط اصلی و کانال‌های بازار که از طریق آن هیدروکربن‌ها را به بازارهای بین‌المللی انتقال می‌دهد، بدست آوریم. کمیسیون اروپا (۲۰۰۰: ۶۵-۶۶) از سوی دیگر چهار بعد امنیت انرژی را در دستور کار خود قرار می‌دهد: امنیت فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی؛ همچنین ابعاد بلندمدت و کوتاه مدت را تعیین می‌کند. ابعاد فیزیکی را می‌توان با وضعیت زمانی که منبع انرژی ناکارآمد است یا زمانی که روند تولید انرژی به طور موقت یا دائمی متوقف شده، توضیح داد. قیمت‌های

^۱Daniel Yergin

ناپایدار محصولات انرژی در بازارهای جهانی، که به نوبه خود می‌تواند به دلیل خطر تخریب فیزیکی منابع باشد، نشان دهنده ابعاد اقتصادی امنیت انرژی است (Metais 2013, pp 22-23).

سیاست انرژی اتحادیه اروپایی

سیاست انرژی اتحادیه اروپا را بدون در نظر گرفتن ماهیت پیچیده سیستم اتحادیه اروپا، که ترکیبی است از منافع اقتصادی، رقابت درون جامعه اروپا و دیدگاه‌های ژئوپلیتیک کشورهای عضو آن نمی‌توان تبیین کرد (Belyi, 2011: 2). بنابراین نه تنها یک سند، بلکه اسناد مختلفی باید مورد توجه قرار گیرد. "توافقنامه مشارکت و همکاری" سند بسیار مهمی است که در سال ۱۹۹۷ به تصویب رسید. در این سند، اتحادیه اروپا آمادگی کامل خود را برای همکاری در راستای ادامه وابستگی متقابل مثبت به روسیه اعلام نمود. این توافقنامه، مبنای حقوقی را برای ایجاد گفتمان سیاسی جاری میان روسیه و اتحادیه اروپا در زمینه های متنوع از جمله انرژی فراهم نمود (کمیسیون اروپایی ۱۹۹۷).

یک تلاش مهم برای شکل‌گیری سیاست مشترک انرژی در اتحادیه اروپا، "سند سبز امنیت انرژی" بود که توسط دبیر کل کمیسیون اروپا در زمینه حمل و نقل و انرژی تهیه و در سال ۲۰۰۰ منتشر شد. این سند در واقع نشان داد که میزان وابستگی انرژی اتحادیه اروپا به ویژه در روابطش با روسیه، در حال افزایش است (European Commission 2000: 22-23). سند فوق می‌تواند به عنوان نقطه عطفی در وابستگی متقابل بین اتحادیه اروپا و روسیه از مثبت به منفی تلقی گردد (Tichy, 2012: 7). استراتژی اروپا برای تامین انرژی "پایدار، رقابتی و امن"، در قالب سند سبز انرژی توسط کمیسیون اروپا در سال ۲۰۰۶ تصویب شد. در سند سبز، بر اجرای یک سیاست انرژی در اروپا بر اساس سه هدف اصلی، پایداری (تغییرات آب و هوایی)، رقابت (باز کردن بازار انرژی) و امنیت تامین انرژی (تنوع منابع انرژی، اطمینان از دسترسی به انرژی) تاکید داشت. همچنین سند سبز عنوان می‌کند که با ایجاد یک «جامعه انرژی پان-اروپایی» می‌توان به امنیت انرژی دست یافت (European Commission 2006: 17-18).

متنوع‌سازی ترکیب انرژی دریافتی از روسیه، بستگی به اراده راسخ اتحادیه اروپا برای کاهش یا اجتناب از وابستگی متقابل دارد (Dimitrova 2012: 25). مقامات اتحادیه و در راس آنها کمیسیون اروپایی طرح ۲۰۲۰ را در خصوص انرژی در نوامبر سال ۲۰۱۰ تصویب نمودند (Bilgin 2011: 120). بر اساس طرح ۲۰۲۰ علاوه بر تاکید بر ضرورت جلوداری اتحادیه در پیشرفت تکنولوژی انرژی،

^۱The Partnership and Cooperation Agreement

^۲Green Paper on Energy Security

بر این مهم تاکید شده که سیاست‌های بین‌المللی انرژی باید اهداف مشترک؛ عرضه امن، رقابتی و پایدار را تامین نماید (Hadfield 2008: 235).

۳- بحث اصلی

وابستگی متقابل در روابط امنیت انرژی اتحادیه اروپا و روسیه

اتحادیه اروپا و فدراسیون روسیه به طور منطقی از لحاظ انرژی و به هم وابسته اند و مسئله امنیت انرژی یکی از مهمترین جنبه های روابط متقابل بین دو کشور است (Tichy 2012a: 1). تقاضای روزافزون کشورهای جهان برای گاز طبیعی موجب شده این محصول در چند دهه اخیر از جایگاه ویژه‌ای در میان حامل‌های انرژی برخوردار شود. در حال حاضر اروپا به شدت به گاز روسیه وابسته بوده و روسیه نیز هیچگاه در استفاده از اهرم گازی خود در پاسخ به غرب و کنش‌هایش، تردید ننموده است. از این رو اروپا همواره در جستجوی تاریخی برای کاهش وابستگی به منابع گازی روسیه، تلاش کرده تا از تمام ابزارهای سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیک خود استفاده نماید (میرفخرایی، رحیمی و کاسین ۱۳۹۶، ص ۱۷۸).

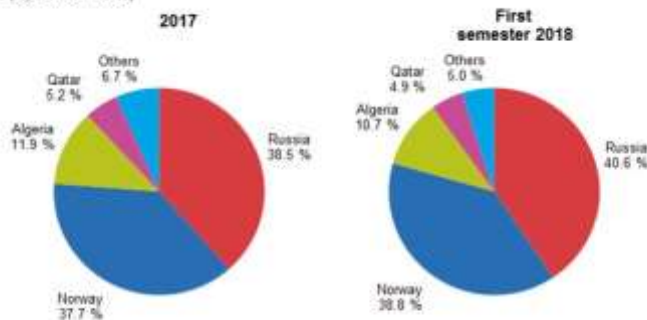
داده‌های زیر بر اساس برآوردهای پایگاه معتبر یورواستات^۱ بوده و برگرفته از مفهوم و تعاریف اروپا و منطبق با قوانین اتحادیه اروپا است. نمودار پیش رو میزان واردات گاز طبیعی خارج از اتحادیه اروپا از شرکای اصلی تجاری خود در سال ۲۰۱۷ و سه ماهه اول سال ۲۰۱۸ را (بر اساس سهم تجارت هر کشور بر اساس ارزش معامله) نشان می‌دهد. همان گونه که مشاهده می‌شود، روسیه در سالهای ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ همچنان بزرگترین تامین‌کننده گاز طبیعی به اتحادیه اروپا است و از میان دیگر شرکای تجاری اروپا، تنها کشوری که سهم قابل توجهی در کل واردات خارج از اتحادیه اروپا داشته اند، نروژ و در برخی از مناطق الجزایر و قطر بوده اند.

همچنین ارزیابی های یوروستات بیانگر این است که صادرات نفت روسیه به اتحادیه اروپا از صادرات گاز طبیعی اش کمتر است اما هنوز هم از دومین تامین‌کننده بزرگ یعنی نروژ جلوتر می‌باشد. قزاقستان در جایگاه سوم می‌باشد، در حالی که در سال ۲۰۱۸ نیجریه جایگاه عراق را به عنوان چهارم تامین‌کننده اصلی تصاحب کرد. سهم شش کشور اصلی تامین‌کننده از ۶۹٫۲ درصد در سال ۲۰۱۶ به ۶۷٫۹ درصد در سال ۲۰۱۷ رسیده است. میزان صادرات جهانی دیگر کشورهای دیگر صادرکننده گاز طبیعی به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۷، (بر اساس تجارت هر کشور بر اساس ارزش معامله) ۶٫۷٪ و در سال ۲۰۱۸

^۱ Eurostat COMEXT

۵۰٪ بوده است. اگر فقط واردات اتحادیه اروپا از روسیه را در نظر بگیریم، سهم محصولات اصلی انرژی در سال ۲۰۱۸ ۵۱٪ بود که ۰٫۴ درصد بیشتر از ۴٫۷ درصد در سال ۲۰۱۷ بود اما ۳٫۶ درصد کمتر از سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ بود که به اوج ۸٫۳٪ رسیده بود.^۱

Extra-EU imports of natural gas from main trading partners, 2017 and first semester 2018
(share (%) of trade in value)



Source: Eurostat database (Comext) and Eurostat estimates

eurostat

پیشرفت های اخیر نشان می دهد که از سال ۲۰۱۵ محصولات انرژی تقریباً ۶۰ درصد از کل واردات را تشکیل می دهد، که حدود ۱۰ درصد کمتر از سال ۲۰۱۲ بود. در هفت سال گذشته، درصد واردات نفت در سال ۲۰۱۲، ۵۱ درصد افزایش یافت، در حالی که در رابطه با گاز طبیعی در بالاترین حالت ۱۹٪ در سال ۲۰۱۵ بود.^۲

اتحادیه اروپا وابستگی بیشتر به ذخایر گاز روسیه از طریق منشور ژئوپلیتیک را به عنوان تهدیدی برای امنیت انرژی منطقه اش در نظر می گیرد. از سوی دیگر، روسیه اولویت جدیدی را برای انتقال بازارهای جدید به شرق اعلام کرده است، هرچند این روند هنوز در دست انجام است (Baev, 2014). به ویژه از سال ۲۰۱۴، تحریم ها و روابط سیاسی فعلی با قدرت های غربی، تمایل روسیه به شرق، اهمیت جدیدی یافته است. در این روابط، به نظر می رسد اتحادیه اروپا خصوصاً پس از برنامه ریزی در سطوح مختلف برای تنوع بخشیدن به منابع تامین انرژی خود، از حساسیت کمتری

^۱ EU imports of energy products - recent developments Statistics Explained, June 2019

^۲ View this article online at http://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php/EU_imports_of_energy_products_-_recent_developments

برخوردار است. با وجود این واقعیت که در سال گذشته، گازپروم به اروپا ۱۵۹ میلیارد متر مکعب عرضه کرد و در عین حال چین برای صادرات گاز سالانه حدود ۱۰۰ میلیارد دلار هزینه می‌کند، توافق های انرژی آسیا هنوز در مرحله اولیه توسعه خود قرار دارند.

برخی از کشورهای عضو هنوز هم روابط دوجانبه با روسیه را به سیاست مشترک انرژی اتحادیه اروپا ترجیح می‌دهند (Norberg 2009: 9)، به عنوان مثال می‌توان از توافق بین روسیه و آلمان برای ساخت خط لوله گاز شمال^۱ مذاکرات روسیه و ایتالیا در مورد ساخت و ساز خط لوله گاز جنوب^۲ نام برد (Kratochvil & Tichy 2013: 392). گرچه اهمیت اتحادیه اروپا در کاهش این نوع دوجانبه سازی ها در حال افزایش است، اما کشورهای عضو، همچنان بازیگران مهمی در عرصه انرژی محسوب می‌شوند. در مجموع، "نواک" اشاره می‌کند که نیاز به یک سیاست منسجم در اتحادیه اروپا برای تضمین امنیت عرضه و کاهش تقاضا وجود دارد. این به معنای کاهش وابستگی اتحادیه اروپا به منابع خارجی انرژی، به خصوص از روسیه است (Nowak 2010: 57). با این وجود، شکل گیری واقعی چنین سیاستی باید از چندین مانع از جمله تمایل کشورهای عضو برای محافظت از حاکمیت خود، حمایت از صنایع ملی و رویکردهای متفاوت به روسیه در میان کشورهای عضو عبور کند.

لازم به ذکر است که اولاً سطوح حساسیت و آسیب‌پذیری درون اعضای اتحادیه اروپا به طور قابل توجهی متفاوت است. علاوه بر این، روسیه همچنان دارای نوع خاصی از روابط و نفوذ در کشورهای بلوک سابق کمونیست است که باعث ایجاد مناقشه ژئوپلیتیک شدید و افزایش سطح سیاسی سازی و امنیتی کردن روابط انرژی می‌شود (Pick, 2012). دوم اینکه فقدان یک سیاست خارجی مشترک انرژی در اتحادیه اروپا، نیاز مبرم به تامین کنندگان جایگزین و خطر وابستگی نامتعارف به یک تامین‌کننده را گوشزد می‌کند (Kratochvil & Tichy, 2013). علاوه بر این، تجارت گاز بین روسیه و اتحادیه اروپا عمدتاً براساس قراردادهای بلندمدت است که بطور جداگانه بر مبنای دوجانبه بین روسیه و کشورهای عضو ایجاد شده است، که بر میزان تناسب وابستگی گاز درون اتحادیه اروپا تأثیر می‌گذارد. در حال حاضر مهمترین گام برای اتحادیه اروپا کاهش آسیب‌پذیری است بدین معنی که موقعیت خود را نسبت به روسیه بهبود بخشد و وابستگی خود را به واردات گاز خود کاهش دهد (Filis, 2009).

سوم اینکه، گازپروم می‌تواند سطح قیمت ها را تغییر دهد و مقادیر مختلفی از گاز را برای کشورهای

^۱ Nord Stream

^۲ South Stream

عضو در نظر بگیرد (De Micco, 2014). همانطور که قبلاً ذکر شد، کشورهای عضو اروپای شرقی و مرکزی وابسته به منابع انرژی مسکو هستند و گذشته تاریخی مشابهی دارند که موقعیت اتحادیه اروپا را نسبت به روسیه تضعیف می‌کند. بنابراین، مشکل فقط در زمینه تنوع عرضه نیست، بلکه فقدان وحدت در داخل اتحادیه اروپا پیرامون مسائل انرژی و نبود رویکرد مشترک نسبت به دولت روسیه مطرح است.

روابط امنیت انرژی در گفتمان اتحادیه اروپا و فدراسیون روسیه

وابستگی متقابل یک رابطه قوی میان اتحادیه اروپا و روسیه ایجاد کرده است. هدف نهایی همکاری انرژی بین روسیه و اتحادیه اروپا، ادغام بازارهای انرژی، اصلاح صنعت انرژی روسیه و ادغام قوانین بازار انرژی اروپا در روسیه است (Salem-Haghighi 2007: 298). گفتگو پیرامون انرژی بین روسیه و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۰ آغاز شد، اما هرگز به هیچ نتیجه‌ای سازنده دست نیافت، با این حال، زمینه مشترکی برای مبادله افکار درباره بهره‌وری انرژی، امنیت محیط زیست و سرمایه‌گذاری ایجاد نمود (Norberg, 2009: 29).

تالیست اشاره می‌کند که علیرغم دستاوردهایی مانند حفظ اهمیت قراردادهای بلند مدت، گفتمان انرژی هنوز به هدف اولیه خود در تعریف چارچوب قانونی برای تجارت انرژی اتحادیه اروپا و روسیه دست نیافته است (Talseth 2012: 17-20). اگرچه بحث امنیت در گفتمان انرژی به عنوان یکی از اهداف اساسی محسوب می‌شود، اما انرژی برای اتحادیه اروپا یک عنصر گفتمانی تلقی می‌گردد، در حالی که مشارکت روسیه بر اساس استفاده از انرژی به عنوان یک ابزار سیاست خارجی انرژی می‌باشد (Hadfield 2008: 237). روسیه قوانین رقابتی اتحادیه اروپا را به عنوان هدف نهایی مشارکت در حوزه انرژی به سختی می‌پذیرد. به نظر می‌رسد که گفتمان قبل از اینکه شروع شود، محکوم به شکست بود؛ با این حال، طرفین باید در نظر داشته باشند که از بین رفتن وابستگی متقابل در آینده در کوتاه‌مدت یا میان‌مدت بعید است (Pick 2012: 324).

در این زمینه، انگیزه روسیه برای تقویت وابستگی متقابل تا حدودی در گفتمان بین دو طرف قابل مشاهده است. با توجه به تحقیقات مرکز اتحادیه اروپا و روسیه، طرف روسی ابراز تمایل خود را به گسترش دامنه گفتگوهای انرژی اعلام کرده است. بدین ترتیب یک رویکرد موازی کاری در سیاست انرژی روسیه مشهود است. به عنوان یک تأمین‌کننده، علاقه روسیه به گسترش رابطه با اتحادیه اروپا و افزایش وابستگی متقابل است (Seliverstov 2009: 19). اما همانطور که اشاره شد، سیاست‌های

انرژی اتحادیه اروپا و روسیه به طور قابل توجهی متفاوت است. استراتژی انرژی روسیه به وضوح توسط دولت تعریف شده و اغلب به عنوان ابزار افزایش نفوذ روسیه تلقی می‌گردد (Kazantsev 2012: 305). یکی از مهمترین مشخصه های سیاست انرژی روسیه این واقعیت است که دولت و شرکت های روسی فعال در حوزه انرژی، یک رابطه همزیستی ایجاد کرده اند و رفتار شرکت ها غالباً از استراتژی انرژی روسیه و همزمان سرمایه‌گذاری در اروپا ناشی می‌شود (Bilgin 2011: 120). بدین ترتیب، سیاست انرژی روسیه به طرز عجیبی ترکیبی از دو گرایش متضاد است که عبارتند از توسعه عناصر بازار رقابتی و افزایش نفوذ دولت (Tichy 2012b: 190).

"نیومن" بر این باور است که برای محافظت از جریان های درآمد آینده، روسیه بدنبال تقویت روابط خود با متقاضیان انرژی از طریق امضای قراردادهای بلند مدت، سرمایه‌گذاری در کشف میادین جدید نفت و گاز، ایجاد کانالهای جدید حمل و نقل و محافظت از کانالهای موجود، گسترش به سمت بخش های محوری زنجیره انرژی است تا خود را به عنوان یک تامین‌کننده قابل اعتماد انرژی اثبات کند. در عوض، روسیه از شرکای خود درخواست می‌کند تا امنیت تقاضا برای محصولات انرژی خود را تضمین کنند (Neuman 2010: 344-345). این بدان معنی است که به طور کلی، روسیه بیشتر مایل به یک وابستگی مثبت در حال تکامل است.

تمام مسائل و اولویت های مهم سیاست انرژی روسیه در "استراتژی توسعه انرژی فدراسیون روسیه" فورموله شده است. این استراتژی اهداف سیاست انرژی خارجی روسیه را تعریف کرده، بر اهمیت ادغام روسیه در سیستم منابع انرژی جهانی در قالب همکاری با سرمایه‌گذاران خارجی تأکید می‌کند. به نظر می‌رسد که روسیه برای ادامه گفت و گو و افزایش وابستگی متقابل با دعوت از سرمایه‌گذاران اروپایی به پروژه های جدید انرژی مشتاق است. به هر حال، از زمان بحران گاز اوکراین، که آسیب‌پذیری ذاتی اتحادیه اروپا را نشان داد، کشورهای مختلف عضو، با اولویت‌بخشی به اهداف اتحادیه اروپا، تمایل بیشتری به همکاری از خود نشان دادند. با وجود اینکه همه اعضای اتحادیه از ایجاد یک بازار انرژی مشترک اتحادیه اروپا حمایت نمی‌کردند، اما همین تمایل اساسی برای همکاری بین اعضای اتحادیه برای مبارزه با سلطه طلبی روسیه بر بازار انرژی اتحادیه اروپا کافی بوده است.

عدم تقارن در روابط انرژی اتحادیه اروپا و روسیه

وابستگی متقابل نامتقارن^۱، که با توزیع نابرابر سود و هزینه مشخص می‌شود، می‌تواند وضعیتی ایجاد کند که بازیگران وابسته اغلب بتوانند از رابطه متقابل وابسته به عنوان منبع قدرت استفاده کنند با توجه به مشکل کمبود منابع، اتحادیه اروپا با وابستگی فزاینده به مناطق خارجی، نه تنها برای تامین نفت بلکه همچنین برای تامین گاز مواجه است (Kjärstad & Johnsson 2007: 869). نزدیک بودن اروپا به مقدار زیادی از ذخایر گاز، باعث شده که اتحادیه اروپا اکثر ذخایر گاز خود را با خط لوله با هزینه‌های نسبتاً مناسب دریافت کند و روسیه همچنان به عنوان بزرگترین تامین‌کننده انرژی محسوب می‌گردد (Lochner & Bothe 2009: 1527). از سوی دیگر، فدراسیون روسیه دارای مقادیر غنی از هیدروکربن‌ها (نفت و گاز) است که آن را به عنوان بازیگری مهم در صحنه بین‌المللی انرژی قرار می‌دهد. همچنین روسیه یکی از معدود کشورهای جهان است که بخش انرژی یکپارچه دارد. این مسئله روسیه را تا حد زیادی از عوامل خارجی بی‌نیاز میکند (Mane-Estrada 2006: 3778). اتحادیه اروپا با تقاضای انرژی و نزدیک بودن جغرافیایی، یک شریک بزرگ برای فدراسیون روسیه به حساب می‌آید. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۵، رابطه بین دو شریک به شدت وابسته به یکدیگر است، روسیه گاز طبیعی را تقریباً به تمام کشورهای اروپایی عرضه می‌کند (Tsygankova 2012: 157). می‌توان نوع وابستگی میان دو شریک را نامتقارن اما روابط بین این دو شریک را نمی‌توان باثبات تلقی کرد و به همین دلیل مسئله امنیت انرژی بسیار حائز اهمیت می‌شود (Baev (2012: 183)

حساسیت و آسیب‌پذیری اتحادیه اروپا و فدراسیون روسیه در امنیت انرژی

درجه بالای وابستگی اتحادیه اروپا به منابع طبیعی روسیه، اتحادیه اروپا را وادار به اقداماتی جهت کاهش حساسیت و آسیب‌پذیری خود کرده است. در حال حاضر، اتحادیه اروپا برای تامین بیش از ۵۰ درصد از نیازهای انرژی خود به تامین‌کنندگان خارجی وابسته است، در حالی که به میزان ۶۴ درصد گاز طبیعی نیز وارد می‌شود (کمیسیون اروپا ۲۰۱۱: ۲۴). بنابراین اتحادیه اروپا یکی از بزرگترین واردکنندگان انرژی در جهان است (Helen 2010: 3). مولیس بر این باور است که با توجه به بخش بزرگی از ذخایر گاز و مصرف گاز روسیه، این کشور به عنوان یک موتور مهم برای رشد اقتصادی اروپا عمل می‌کند (Molis 2011: 89). تا سال ۲۰۲۰ اتحادیه اروپا باید از حجم کل واردات ۶۰۰ میلیارد متر مکعب گاز،

^۱ asymmetric interdependence

حدود ۴۰۰ میلیارد مترمکعب آن را اکنون انجام دهد و حداقل نیمی از این تقاضا باید از روسیه تهیه شود (Weafer 2009: 22).

بیشتر کشورهای عضو جدید که از لحاظ تاریخی به شبکه های گاز روسیه مانند رومانی، بلغارستان و کشورهای بالتیک متصل هستند، تقریباً تمام گاز خود را از روسیه وارد می‌کند. برخی از کشورهای عضو، مانند انگلستان، پرتغال و اسپانیا، هیچ نوع گاز روسیه را وارد نمی‌کند. در حقیقت، کشورهایی که وارد کننده تمام گاز خود از روسیه هستند، بسیار حساس بوده و به طور قابل ملاحظه ای آسیب پذیر هستند، اما واقعا نمی‌توان در مورد اتحادیه اروپا به عنوان یک کلیت این گونه اظهار نظر نمود. کاسیر نتیجه می‌گیرد که اگر چه روسیه ۴۰ درصد از واردات گاز اروپا را تأمین می‌کند، اما این بدان معنی نیست که تمام این گاز مصرفی از ناحیه روسیه است. در واقع، برخی از کشورهای عضو تولید گاز خود را دارند (Casier 2011: 499).

این به این معنی است که واردات گاز روسیه، حدود ۲۵ درصد مصرف گاز در اتحادیه اروپا را فراهم می‌کند که تقریباً یک چهارم آن است. علاوه بر این، به جای اندازه گیری سهم گاز روسیه در کل تأمین گاز اتحادیه اروپا، سهم این کشور در کل مصرف انرژی اولیه نیز می‌تواند مورد اندازه گیری قرار گیرد. این سهم فقط حدود ۶،۵ درصد است. با توجه به این که تنها گاز باعث ایجاد وابستگی واقعی می‌شود و از آنجایی که اختلال در عرضه گاز می‌تواند منجر به کمبود این منابع برای مصرف کنندگان گردد، وابستگی شدید اتحادیه اروپا به گاز روسیه بیش از حد واقعی برآورد شده است (Voropai, Senderov & Edelev 2012: 9).

همچنین به سختی می‌توان اتحادیه اروپا را به شدت آسیب پذیر در نظر گرفت زیرا تلاش های جدی برای تنوع بخشیدن به منابع انرژی خود و فاصله گرفتن از روسیه از خود نشان می‌دهد. اتحادیه اروپا از ساخت خط لوله‌های متفاوتی پشتیبانی می‌کند که انرژی آسیای میانه را برای عبور از غرب از طریق روسیه به کار خواهد گرفت. اتحادیه اروپا همچنین تعدادی در حال افزایش تعدادی پروژه های دیگر است که دسترسی به منابع انرژی غیر روسی آن را افزایش می‌دهد. همچنین بسیار بعید به نظر می‌رسد که اتحادیه اروپا خود را در شرایطی بدون هیچ گونه گاز تصور کند. در عوض، وابستگی به یک تأمین کننده انحصاری قدرتمند است که قیمت ها را تحت فشار قرار می‌دهد (Proedrou 2007: 341-342).

روسیه می‌تواند مقادیر انرژی را که در بازار ارائه می‌دهد کاهش داده و یا قیمت های بالاتر برای گاز ارائه دهد. این باعث می‌شود اتحادیه اروپا کاملاً حساس باشد، اتحادیه اروپا سعی در جلوگیری از آزاد سازی بازار

گاز خود دارد. اتحادیه اروپا با تلاش برای تأمین انرژی ثابت و پایدار با کمک منشور انرژی، اقدام به کاهش حساسیت خود کرده که هدف آن تسهیل تأمین منابع انرژی امن غرب با منابع انرژی از شرق است.

این حساسیت و آسیب پذیری در مورد فدراسیون روسیه به شکل دیگری مطرح است. روسیه بزرگترین منبع گاز طبیعی است که از طریق خط لوله "یامال" انرژی مورد نیاز مرکز و جنوب شرقی اروپا را تأمین می‌کند و سهم آن در پروژه ساخت خط لوله شمال بیشتر هم شد. اما همانگونه که اتحادیه اروپا به انرژی روسیه وابسته است، روسیه نیز عمیقاً به همکاری با اروپا وابسته است. از یک سو روسیه بزرگترین تأمین‌کننده گاز به اتحادیه اروپا است، اما از سوی دیگر، اتحادیه اروپا ۹۰ درصد از صادرات گاز روسیه را مصرف می‌کند. اتحادیه اروپا یک بازیگر قدرتمند در روابط گاز با روسیه محسوب می‌گردد (Le Coq & Paltseva 2012: 643). اگر صادرات انرژی روسیه به اتحادیه اروپا به طور قابل توجهی کاهش یابد، روسیه بخش مهمی از درآمد خود را از دست خواهد داد. با وجودی که کشورهای اروپایی تنها حدود ۳۱ درصد از کل حجم فروش گازپروم را (Gazprom Group 2013) تشکیل می‌دهند، در سال ۲۰۰۸، ۶۰ درصد از سود گازپروم را به خود اختصاص داده‌اند.

از آنجایی که حجم صادرات گاز به اتحادیه اروپا، روسیه را در جایگاه بسیار حساسی قرار می‌دهد، برای کاهش خطرات، روسیه چندین استراتژی را دنبال می‌کند. اولاً، روسیه تلاش می‌کند تا با حفظ قراردادهای طولانی‌مدت خرید یا پرداخت، به بازار انرژی اروپا متصل بماند. این قراردادهای سودآوری را برای تأمین‌کننده انرژی و تداوم عرضه را برای واردکننده تضمین می‌کند. ثانیاً، روسیه به دنبال بهره‌گیری از فرصت‌هایی است که آزادسازی بخشی از بازار گاز اروپا ایجاد می‌کند. گازپروم تلاش می‌کند تا درون بازارهای در حال ظهور که بخش فزاینده‌ای از گاز مورد نیاز اروپا در آنها معامله می‌شود، وارد شده و آنها را تحت سلطه خود قرار دهد.

ثالثاً روسیه سعی دارد از ورود هر شخص ثالث در رابطه خود با اتحادیه اروپا اجتناب کند. این امر به وضوح در آخرین قراردادهای روسیه با کشورهای آسیای مرکزی دیده می‌شود که در قالب آنها روسیه تلاش می‌کند تا موقعیت پیشرو در ترانزیت گاز را حفظ نماید. همه این اقدامات وضعیتی را ایجاد می‌کند که روسیه تمایل داشته باشد پیوندهای خود با اتحادیه اروپا را قوی‌تر سازد (Proedrou 2007: 336-337). به گفته "کاسیر"، وابستگی تقاضای انرژی روسیه در تمایل این کشور به کاهش وابستگی اقتصادی

^۱ Nord Stream

خود به بخش انرژی کاملاً روشن است. همچنین، اگر روسیه اعتبار خود را به عنوان یک تامین کننده قابل اتکا به خطر بیندازد، دچار ضرر وزیان زیادی میشود.

نتیجه گیری

یافته های پژوهش نشان می دهند که نوعی وابستگی متقابل بین اتحادیه اروپا و روسیه در حوزه امنیت انرژی وجود دارد، به گونه ای که هر دو طرف حساس به پایبندی دو طرف به تعهدات خود هستند. با این حال، اگر ما دو بازیگر را مقایسه کنیم، به نظر می رسد اروپا سطوح حساسیت و آسیب پذیری کمتری در روابط گاز از خود نشان می دهد. اما این سناریو تنها زمانی درست است که ما اتحادیه اروپا را به عنوان یک بازیگر واحد درک کنیم و وابستگی ویژه اروپای مرکزی و شرقی را به تامین انرژی از مسکو نادیده بگیریم. از نظر آسیب پذیری و گزینه های ممکن، اروپا در موقعیت بهتری قرار دارد زیرا قادر به وارد کردن گاز طبیعی از تامین کنندگان مختلف مانند نروژ، الجزایر یا قطر است. قطع این رابطه، چند عضو منطقه مرکزی و اروپای شرقی را بیشتر از روسیه تحت تاثیر قرار خواهد داد.

این واقعیت ها ثابت می کند که این وابستگی متقابل بین بروکسل و مسکو نامتقارن است زیرا در سطوح وابستگی تفاوت وجود دارد. این عدم تقارن بین روسیه و اتحادیه اروپا به دلایل مختلف باقی خواهد ماند. روسیه به عنوان یک تامین کننده به دلیل آسیب پذیری تقاضای خود، بدنبال تقویت وابستگی متقابل می باشد در حالیکه اتحادیه اروپا به دلیل حساسیت عرضه خود، تمایل به اتخاذ رویکرد منفی به وابستگی متقابل دارد. الگوی وابستگی متقابل نامتقارن اتحادیه اروپا با فدراسیون روسیه به وضوح در سیاست های انرژی اتحادیه اروپا مشخص شده است. همچنین تغییر رویکرد به "وابستگی منفی" را می توان با تلاش های واضح اتحادیه اروپا در کاهش نفوذ روسیه از طریق تامین امنیت نیروهای اتحادیه اروپا و تلاش برای متنوع سازی تامین کنندگان انرژی و راه های انتقال منابع انرژی، مشاهده کرد. با این حال، با وجود سیاست مشترک اتحادیه اروپا در رابطه با روسیه، همچنان اختلافات چشمگیر بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا از نظر سیاست ها و وابستگی آنها به روسیه باقی مانده است.

به رغم ادعاهای متقابل هر یک از طرفین، بدیهی است که روسیه و اتحادیه اروپا از وابستگی متقابل خود به یکدیگر و اهمیت حفظ گفتمان دوجانبه خود آگاهی دارند. علاوه بر این، نباید فراموش کرد که رابطه میان دو طرف در بخش انرژی در سال های اخیر بسیار سیاسی شده است و بسیاری از اقدامات آنها صرفاً

نمادین هستند. به هر حال روسیه بزرگترین ذخایر گاز طبیعی در جهان را داراست و از لحاظ تاریخی به دلیل مجاورت با اروپا و زیرساختهای آن که در جهت عرضه به اروپا متمرکز است، به طور طبیعی تامین کننده انرژی اروپا است. بنابراین به دلایل عینی، احتمال اینکه روسیه به عنوان یکی از تامین کنندگان عمده گاز در اتحادیه اروپا و تضمین کننده امنیت انرژی آن در کوتاه مدت و میان مدت باقی بماند، بالا است.

در چارچوب گفتمان انرژی اتحادیه اروپا و روسیه می توان این گونه نتیجه گرفت که نیاز به تقویت اعتماد متقابل بین روسیه و اتحادیه اروپا وجود دارد که به نوبه خود می تواند انگیزه جدیدی برای همکاری دوجانبه در چارچوب گفتمان انرژی ایجاد کند. شرکای اروپایی نیاز به شفافیت در عملکرد شرکت های انرژی، قوانین عادلانه، رقابت، اصول روشن قیمت گذاری و قیمت های عادلانه دارند. این امر همچنین در مورد فدراسیون روسیه به عنوان مهمترین تامین کننده انرژی اتحادیه اروپا، که مجبور به اعطای امتیازاتی در رابطه با قیمتها برای مشتریان خود در راستای پذیرش وضعیت اجتناب ناپذیر فعلی می باشد، صادق است. در دنیای وابستگی متقابل پیچیده جدید، دیگر تامین کننده انرژی قادر به تحمیل شرایط خود نیست؛ امروزه در شرایطی هستیم که خریدار، گزینه های متعددی از تامین کنندگان را در اختیار دارد و می تواند بهترین گزینه را انتخاب کند.

کتابنامه

- میرفخرایی، سید حسن؛ رحیمی، امید و سفیدی کاسین، آرش (۱۳۹۶). «چشم‌انداز پس‌ابرجام روابط گازی ایران و روسیه در الگوی مشارکت راهبردی»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۰(۳۸)، صص ۱۳۱-۱۵۷.
- Aalto, P. (2016). *The EU-Russian energy dialogue: Europe's Future Energy Security*. Routledge.
- Aoun, M. C. (2015). *European Energy Security Challenges and Global Energy Trends: Old Wine in New Bottles?*. Istituto affari internazionali
- Austvik, O. G. (2016). The Energy Union and security-of-gas supply. *Energy Policy*, 96, 372-382.
- Baev, P. (2008). *Pipelines, Politics and Power: The future of EU-Russia energy relations*. Centre for European Reform.
- Baev, P. K. (2012). From European to Eurasian energy security: Russia needs an energy Perestroika. *Journal of Eurasian Studies* 3: 177-184.
- Baumann, F., & Simmerl, G. (2011). Between conflict and convergence: The EU member states and the quest for a common external energy policy.
- Belkin, P. (2008). The European Union's energy security challenges. *Connections*, 7(1), 76-102.
- Belyi, A. V. (2012). Liberal approach to International Political Economy. Lecture in the "International Political Economy" course. Lecture slides (file Lecture 4, liberal perspective on IPE.pptx). Slide 17.
- Bilgin, M. (2011). Energy security and Russia's gas strategy: The symbiotic relationship between the state and firms. *Communist and Post-Communist Studies* 44: 119-127.
- Binhack, P. & Tichy, L. (2012). Asymmetric interdependence in the Czech-Russian energy relations. *Energy Policy* 45: 54-63.
- Bozhilova, D. & Hashimoto, T. (2010). EU-Russia energy negotiations: a choice between rational self-interest and collective action. *European Security* 19: 627-642.
- Braun, J. (2011). *EU Energy Policy under the Treaty of Lisbon Rules: Between a new policy and business as usual*.
- Casier, T. (2011). Russia's Energy Leverage over the EU: Myth or Reality? *Perspectives on European Politics and Society* 12: 493-508.

- Cherp, A., & Jewell, J. (2011). The three perspectives on energy security: intellectual history, disciplinary roots and the potential for integration. *Current Opinion in Environmental Sustainability*, 3(4), 202-212.
- Costantini, V., Gracceva, F., Markandya, A. & Vicini, G. (2007). Security of energy supply: Comparing scenarios from a European perspective. *Energy Policy* 35: 210-226.
- De Micco, P. (2014). *A Cold Winter to Come? The EU Seeks Alternatives to Russian Gas*. Brussels: European Parliament.
- Dimitrova, A. (2012). *EU-Russia Energy Relations: Bilateral or Multilateral?* Unpublished dissertation. University of Dundee.
- EurAsia Daily (2016) [Online] Available from: <https://eadaily.com/ru/> [last access 1st December 2016]
- European Commission. (2006). *Green Paper: European Strategy for Sustainable, Competitive and Secure Energy*. Retrieved from http://europa.eu/documents/comm/green_papers/pdf/com2006_105_en.pdf f. 26
- European Commission. (2011). *Energy, transport and environment indicators*. Retrieved from http://epp.eurostat.ec.europa.eu/cache/ITY_OFFPUB/KS-DK-11-001/EN/KS-DK-11-001-EN.PDF.
- Filis, C. (2009). *Diversification and Interdependence: Emerging Realities and Potential Players in the Russian-Western Energy Equation*. Oxford: South East European Studies at Oxford.
- Gazprom Group. (2013). *Gazprom Group's gas sales structure in 2012*. Retrieved from <http://eng.gazpromquestions.ru/?id=4>.
- Hadfield, A. (2008). EU-Russia Energy Relations: Aggregation and Aggravation. *Journal of Contemporary European Studies* 16: 231-248.
- Helen, H. (2010). The EU's energy security dilemma with Russia. *POLIS Journal* 4: 1- 40.
- Jun, E., Kim, W. & Chang, H. (2009). The analysis of security cost for different energy sources. *Applied Energy* 86: 1894-1901.
- Kaveshnikov, N. (2010). The issue of energy security in relations between Russia and the European Union. *Energy Security* 19: 585-605.
- Kazantsev, A. (2012). Policy networks in European–Russian gas relations: Function and dysfunction from a perspective of EU energy security. *Communist and Post-Communist Studies* 45: 305-313.
- Keohane, R. O. (1986). Reciprocity in international relations. *International Organization* 40: 1-27.
- Konoplyanik, A. A. (2012). Russian gas at European Energy Mmarket: Why adaptation is inevitable. *Energy Strategy Reviews* 1: 42-56.

- Lochner, S. & Bothe, D. (2009). The development of natural gas supply costs to Europe, the United States and Japan in a globalizing gas market — Model-based analysis until 2030. *Energy Policy* 37: 1518-1528.
- Mane-Estrada, A. (2006). European energy security: Towards the creation of the geo- energy space. *Energy Policy* 34: 3773-3786.
- Metais, R. (2013). Ensuring Energy Security in Europe: The EU between a Market-based and a Geopolitical Approach. *EU Diplomacy Paper* 03/2013.
- Molis, A. (2011). Transforming EU-Russia energy relations: the Baltic States' Vision. *Foreign Policy* 25: 77-96.
- Neuman, M. (2010). EU–Russian Energy Relations after the 2004/2007 EU Enlargement: An EU Perspective. *Journal of Contemporary European Studies* 18: 341- 360.
- Nowak, B. (2010). Forging the External Dimension of the Energy Policy of the European Union. *The Electricity Journal* 23: 57-66.
- Pick, L. (2012). EU-Russia Energy Relations: Critical Analysis. *POLIS*, Volume 7, pp. 322-365.
- Rana, W. (2015). Theory of complex interdependence: A comparative analysis of realist and neoliberal thoughts. *International Journal of Business and Social Science*, 6(2).
- Seliverstov, S. (2009). Energy Security of Russia and the EU: Current Legal Problems. Retrieved from <http://www.ifri.org/downloads/noteseliverstovenergysecurity.pdf>.
- Sovacool, B. K. (Ed.). (2010). *The Routledge handbook of energy security*. Routledge.
- Talseth, L.-C. U. (2012). The EU-Russia Energy Dialogue: Travelling Without Moving. Retrieved from http://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/products/arbeitspapiere/talseth_20120402_K_S.pdf.
- Tichy, L (2012a). Energy Security in the EU-Russia Relations. Retrieved from <http://www.ecpr.eu/databases/conferences/papers/527.pdf>.
- Treaty of Lisbon. (2008). Retrieved from <http://eur-lex.europa.eu/JOHtml.do?uri=OJ:C:2007:306:SOM:EN:HTML>.
- Tsygankova, M. (2012). An evaluation of alternative scenarios for the Gazprom monopoly of Russian gas exports. *Energy Economics* 34: 153-161.
- Umbach, F. (2010). Global energy security and the implications for the EU. *Energy policy*, 38(3), 1229-1240.
- Weafer, C. (2009). GAS-OPEC – cooperation or confrontation? Retrieved from http://www.utu.fi/fi/yksikot/tse/yksikot/PEI/BRE/Documents/BRE_1_2009_Web_Final.pdf.
- Winzer, C. (2012). Conceptualizing energy security. *Energy policy*, 46, 36-48.

- Yergin, D. (2006). Ensuring energy security. *Foreign affairs*, 69-82.
- Youngs, R. (2009). *Energy security: Europe's new foreign policy challenge*.
Routledge.